

جمعه گردی های اسماعیل نوری علا

تجسم اصلاح طلبانهء یک ایران سکولار!

کتاب در دست انتشار «ایران سکولار؛ سال 1429» نشان می دهد که اصلاح طلبان از هم اکنون پذیرفته اند که آیندهء حکومت در ایران (چه در 1395 و چه در 1429) شکلی از سکولار دموکراسی خواهد بود و، در نتیجه، از هم اکنون به فکر تجسم آن فردا و پاسخ دادن به این پرسش افتاده اند که: «اگر نظام حکومتی جمهوری اسلامی در ایران به پایان برسد، چه می شود؟» در این کتاب آرزوی اصلاح طلبان آن است که این «تغییر گریز ناپذیر» را خودشان مدیریت کنند و به این دلیل همزمانی «انتخاب یک رئیس جمهور تغییر طلب» و «مرگ ناگهانی ولی فقیه» و دامن زدن به «تظاهرات مسالمت آمیز مردم» را بهترین فرمول برای از دست رفتن کنترل اوضاع می دانند.

esmail@nooriala.com

یک کنجکاوی

امروز دیدم که در سایت موسوم به «ایران وایر» خبر از انتشار یک «پاورقی سیاسی» داده اند که از فردا (28 شهریور 1394 - 19 سپتامبر 2015) بصورت هفته ای سه بار و به طول یک سال بر روی این سایت قرار خواهد گرفت(1).

من با گردانندگان این سایت آشنائی ندارم و تحقیق مختصرم هم به من نمی گوید که آنان کیستند و در کجای دنیا کار و زندگی می کنند و هزینهء گرداندن این سایت بی آگهی را از کجا تأمین می کنند؛ اما این سایت را، هم از لحاظ پیچیدگی و گستردگی و هم از لحاظ صفحه بندی و تنوع مطالب مندرج در آن، سایت جالبی یافته ام که ظاهراً از نوعی جوان گرایی و آزادی خواهی برخوردار است؛ هرچند که از لحاظ «موضع سیاسی» این سایت را به مواضع اصلاح طلبان اسلامی یا، به عبارت دیگر، مخالفان انحلال طلبی، نزدیک تر یافته ام؛ آن سان که فکر می کنم گردانندگان سایت می خواهند به ما نشان دهند که اگر «اصلاح طلبان واقعی» در ایران به قدرت برسند کشور را چگونه اداره خواهند کرد و چگونه چهره ای امروزی و انسانی به آن خواهند بخشید؛ بخصوص که می خواهند ثابت کنند که برای این کار نیازی به شورش و انقلاب هم نیست و آنها می توانند از طریق تاکتیک هائی همچون «خواستاری انتخابات آزاد» به مقصود برسند. حال این مقصود چه می تواند باشد نکته ای است که در ادامهء مقاله به آن خواهیم پرداخت.

برگردم به کتابی که قرار است تا یک سال دیگر هر هفته سه بار ما را به دنبال خود بکشاند. نام این کتاب «ایران سکولار؛ سال 1429» است و بر اساس این فرض نوشته شده که در آن سال (یعنی 35 سال دیگر) در ایران شرایطی پیش می آید که ورق اوضاع بر می گردد و ایران به کشوری سکولار مبدل می شود.

گردانندگان سایت «ایران وایر» در این مورد چنین توضیح داده اند:

1. این کتاب «رمانی آینده نگرانه» است.
2. و به این پرسش پاسخ می دهد که: «اگر نظام حکومتی جمهوری اسلامی در ایران به پایان برسد، چه می شود؟»... و «مشکلات پیچیدهء پیش روی "جمهوری ایران" برای گذار از نظام حکومتی سابق به سیستم حکومتی جدید» چیست؟

4. و بالاخره اینکه کتاب، «در قالبی روایی، مشکلات "نخستین دولت سکولار حاکم بر ایران"، بعد از پایان جمهوری اسلامی، را پیش بینی می کند».

اگرچه هنوز انتشار این کتاب آغاز نشده اما همین اطلاعات اندکی که سایت «ایران وایر» در اختیار ما گذاشته کفایت می کند تا نکات مهمی را از لابلای این اطلاعات بیرن بکشیم. مقاله حاضر بدین منظور نوشته شده است.

کتاب های آینده نگر

نوشتن کتاب های آینده نگر دارای سابقه ای طولانی است که همهء حوزه های زندگی اجتماعی انسان را، چه از لحاظ فن آوری و چه از لحاظ سیستم های حکومتی و نظایر آن، در بر می گیرد.

نویسندهء یک کتاب آینده نگر اغلب ناگزیر است برای آینده ای که حوادث داستان اش در آن می گذزد سالی را در نظر گرفته و تعیین کند. معمولاً این انتخاب به «بهترین حدس» نزدیک است. نویسنده شرایط زمان خود، راستای حدوث وقایع مختلف، وضعیت جمعیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زمانه را در نظر می گیرد و می کوشد حدس بزند که این وضعیت در طی سال هائی که به سال مورد نظر او می انجامد چرا و چگونه متحول شده و در آن سال بچه شکلی در می آید.

کتاب هائی از این نوع را می توان به دو دسته تقسیم کرد: کتاب هائی که مبنای علمی دارند و کتاب هائی که نویسندگان شان مبنائی صرفاً خیال پردازانه را برای کار خود انتخاب کرده اند. مثلاً، نویسندگانی که در حوزهء آینده نگری علمی کار می کنند می کوشند تا کار خود را بر شالودهء دست آوردهای علمی استوار سازند و از این نظر کارشان با واقع گرائی بیشتری همراه است؛ اما نویسندگانی که با مسائل اجتماعی سر و کار دارند، از آنجا که تحولات اجتماعی بسیار پیچیده اند و به آسانی نمی توان مسیر تحولات شان را پیش بینی کرد، بیشتر به هنر خیال پردازی روی می آورند و، در نتیجه، حاصل کارشان بیشتر شکلی «نمادین» (سمبولیک و یا تمثیلی) بخود می گیرد.

مثلاً، هنگامی که «آلدوکس هاکسلی» (Aldous Huxley) در سال 1932 کتاب مشهور خود «دنیاک شجاع نوین» را منتشر کرد، مستقیماً دست به توصیف اوضاع لندن در سال 2540 زده بود و در این کار بیشتر بر جنبه های فن آورانهء روندهائی همچون تولید مثل، آموزش در حین خواب، دست کاری های روانشناختی و شرطی کردن های روانی تکیه کرده و نشان می داد که این وضعیت چه تأثیری بر اوضاع اجتماعی خواهد داشت. در مقابل، هنگامی که «جورج اُروِل» (George Orwell) کتاب «مزرعهء حیوانات» را در سال 1945 منتشر کرد، کوشید تا حوادث کتاب اش، علاوه بر آنکه در آینده رخ می دهند، تمثیلی باشند از آنچه از سال 1917 بعد در روسیهء دست ساخت لنین و استالین گذشته بود، در عین حالی که نحوهء پیدایش دیکتاتوری های ایدئولوژیک بر آمده از هر انقلابی را توضیح بدهند. همین جورج اُروِل اما نویسندهء کتاب «1984» هم هست، کتابی که در 1949 منتشر شد. در این کتاب نویسنده می کوشد اوضاع کشورش در 35 سال بعد را تشریح کند؛ 35 سالی که آمد و رفت و بسیاری از پیش بینی های او متحقق نشد اما هنوز این کتاب مهمترین کار او و از آثار ماندگار ادبیات انگلیسی محسوب می شود، چرا که انتخاب سالی بخصوص برای وقایع کتابی که آینده را (از روز انتشار تا ده ها سال بعد) پیش بینی می

کند تنها یک تمهید جذاب کننده اثر است و الا آنچه در کتاب می آید می تواند برای سال 2084 هم همان محتوا را داشته باشد که برای «آینده ای به نام 1984» داشت.

در بین نویسندگان ایرانی نیز، مثلاً، می توان دید که یک چنین تمهیدی را شکوه میرزادگی در کتاب اش با نام «گلدن آرک» که در سال 1996 منتشر شد بکار برده است(2). در این کتاب تاریخ سقوط حکومت اسلامی مسلط بر ایران در «دهم دسامبر 1998» تعیین شده و وضعیت بخشی از پناهندگان ایرانی گریخته از دست رژیم اسلامی و ساکن لندن را در روز سقوط آن حکومت توصیف می کند.

اگر چه از تاریخ تعیین شده بوسیله شکوه میرزادگی 17 سال گذشته و رژیم همچنان بر سر پای خود ایستاده است، اما ذره ای از آنچه گوهر اثر را تشکیل داده، یعنی زندگی مردمانی در تبعید و گریخته از یک حکومت مذهبی - دیکتاتور نمی کاهد؛ اما تعیین 35 سال دیگر از جانب نویسنده کتاب تخیلی «ایران سکولار؛ سال 1429» (یعنی زمانی که عمر رژیم از هفتاد سال می گذرد) نیز می تواند به همان اندازه به روحیات و آرزوهای نویسنده اش برگردد: شکوه میرزادگی مخالف حکومت اسلامی در کتاب اش فقط تا دو سال دیگر به رژیم مهلت می دهد اما نویسنده ناشناس کتاب «ایران سکولار؛ سال 1429» گویی می خواهد به ما آرزومندان استقرار سکولاریسم در ایران بگوید که «خیال تان تا 35 سال دیگر تخت باشد که رژیم سر جایش خواهد ماند».

مفروضات نویسنده

گردانندگان سایت ایران وایر این اطلاعات بیشتر را نیز در مورد کتاب در اختیار ما گذاشته اند: «تغییر حکومت ایران، به روایت رمان، نتیجه همزمانی چند اتفاق است: روی کار آمدن یک رئیس جمهور معتقد به تغییر نظام حکومتی، درگذشت ناگهانی رهبر وقت (جانشین دوم آیت الله خامنه ای)، تجمعات مسالمت آمیز مردم با مطالبه تغییر نظام حکومتی، و نهایتاً، برگزاری فراندوم».

از همین توضیح مختصر می توانیم بفهمیم که مفروضات پایه ای کتاب چیست:

1. در سال 1429 (یعنی 35 سال دیگر) همچنان بساط ولایت فقیه برقرار است و اگرچه آیت الله خامنه ای دیری ست که مرده اما رژیم قادر بوده است برایش جانشینی پیدا کند و تازه آن جانشین نیز جای خود را به ولی فقیه چهارم پرداخته است.
2. در آن سال «یک رئیس جمهور معتقد به تغییر نظام حکومتی» روی کار می آید. یعنی فرض بر این است که 35 سال بعد هم در ایران انتخابات رئیس جمهوری به شکل فعلی برقرار است اما نامزدها آنقدر شجاع شده اند که در مبارزات خود مسئله «تغییر رژیم» را هم مطرح می کنند و رأی هم می آورند. به عبارت دیگر، ملت صبور ایران در طی آن 35 سال همچنان بره وار پای صندوق های رأی رفته و رؤسای جمهور اسلامی را، که مجری فرامین ولی فقیه هستند، انتخاب کرده اند.
3. در عین حال، کتاب، در بیان گردانندگان سایت ایران وایر، به ما می گوید که: «تغییر نظام به مجموعه ای از تحولات غیر منتظره امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می انجامد که ابعاد آنها، فراتر از پیش بینی دولتمردان جدید است».

4. در این مسیر و خوشبختانه، بر سر کار آمدن این «رئیس جمهور تغییر طلب» مصادف می شود با مرگ «ناگهانی» ولی فقیه چهارم، و فرصتی به دست می آید که، تحت توجهات رئیس جمهور، مردم ایران دست به «تجمعات مسالمت آمیز» بزنند و خواستار «تغییر نظام حکومتی» شوند.
5. این سه واقعه این امکان را برای رئیس دستگاه مجریه فراهم می آورد که نهایتاً دست به انجام «رفراندوم» بزند.
6. مردم هم، با شرکت در رفراندوم، رژیم اسلامی را تغییر می دهند و «اولین حکومت سکولار ایران» تشکیل می شود.
7. اولین رئیس جمهور ایران سکولار، که گویا همان آخرین رئیس جمهور ایران اسلامی است، دارای رئیس دفتری است و گردانندگان سایت ایران وایر به ما می گویند که در هر شماره از پاورقی این کتاب «یک روز از دفترچه خاطرات رئیس دفتر رئیس دولت سکولار ایران در سال ۱۴۲۹ خورشیدی» منتشر می شود.
8. سایت ایران وایر بعنوان نمونه دو یادداشت رئیس دفتر را هم منتشر کرده است که طی آنها این اطلاعات را می توان به دست آورد:
- مقام های سابق ایران در زندان هستند و رئیس دفتر می نویسد که به رئیس جمهور می گویم که: «شخصاً اطلاع دارم که 37 (!؟) نفر از مسئولان سابق بدون دسترسی به وکیل در زندان انفرادی بازجویی می شوند که همین نگهداری در زندان انفرادی می تواند مصداق شکنجه باشد».
- معلوم است که رئیس جمهور ایران سکولار همان رئیس جمهور سابق ایران تحت انقیاد حکومت اسلامی است، چرا که: «رئیس جمهور می خواهد که در مورد وضعیت این 37 نفر گزارشی تهیه کنم تا در صورت امکان به سرعت بازجویی شان تمام شود و از انفرادی بیرون بیایند. تأکید می کند: "با وجود این، ماجرای وکیل نداشتن اینها را اصلاً نمی فهمم. اساساً ما مشکل خاصی در مورد دسترسی به اطلاعات نداریم که برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر، پای این جور بدنامی ها برویم".»
- آزادی و سکولاریسم گرفتاری های تازه ای را هم با خود دارند. رئیس دفتر در یادداشت روزی دیگر می نویسد: «...سرهنگ عظیمی می گوید سال ها فشار حکومت بر روی موضوعاتی چون آزادی های اجتماعی باعث شده [که] بعد از رفع محدودیت های سابق، "زیاده روی" هایی اتفاق بیفتد و نیاز به دخالت پلیس باشد. مثال می زند که همین دو هفته پیش در پس قلعه، 10-15 جوان مست، ظاهراً بر سر یک موضوع "ناموسی"، به شدت درگیر شده اند که پلیس آنها را دستجمعی دستگیر کرده است. به گفته سرهنگ مشکل دیگری که در اماکن تفریحی وجود دارد، درگیری های هر از گاه افشار مذهبی - و نه لزوماً هوادار جمهوری اسلامی - با جوانانی است که از نظر آنها هنجار شکنی می کنند. می گوید که این درگیری ها تاکنون به خشونت زیاد منجر نشده ولی تعدادشان نگران کننده است و پلیس هر از گاه مجبور به مداخله می شود. به عقیده سرهنگ عظیمی، در مقابل، یکی از مزیت های سکولار شدن حکومت برای پلیس هم این بوده که بخش بزرگی از نیروهای انتظامی دیگر مجبور نیستند درگیر مسئولیت های زحمتی همچون کنترل حجاب زن ها باشند. تأکید دارد که این تغییر، باعث شده تا پلیس برای برخورد با جرایم خشن، نیروهای بیشتری را در اختیار داشته باشد...»

9. گردانندگان سایت ایران وایر توضیح می دهند که روایت گرِ رمان «ایران سکولار؛ سال ۱۴۲۹»، فردی با تجربیات دست اول از نظام حکومتی موجود کشور است که نسبت به پیچیدگی های اجرایی و قانونی این نظام اشراف کامل دارد.
10. اما این شخص، «با توجه به حساسیت موضوع رمان، ترجیح می دهد که آن را با نام مستعار منتشر کند، هرچند خوانندگان، می توانند که از طریق ایمیل با او در ارتباط باشند» (3).
11. و بالاخره اینکه گردانندگان سایت «ایران وایر» امیدوارند که: «انتشار این رمان، شهروندان و نخبگان ایران، با گرایش های گوناگون، را در مورد آینده کشور و چالش های پیش روی آن، به فکر وا دارد».

گمانه زنی در مورد نویسنده

- اگر بخواهیم از فحوای سخن راوی حکایت، یعنی همان «فرد با تجربیات دست اول از نظام حکومتی موجود کشور که نسبت به پیچیدگی های اجرایی و قانونی این نظام اشراف کامل دارد»، و بر اساس اطلاعات فوق الذکری که گردانندگان سایت ایران وایر از هم اکنون در اختیار ما نهاده اند، به مواضع سیاسی نویسنده پی ببریم، از نظر من، این موارد قابل حدس زدن اند:
1. او اصلاح طلب است و «تغییر حکومت» را تنها از راه وجود حوادثی پیش بینی نشده، بعلاوه وجود «تغییر طلبانی» که مترصد فرصت هستند، و نیز خشونت پرهیزی مردم و آمادگی شان برای «تظاهرات مسالمت آمیز» ممکن می داند؛ و امکان وقوع سناریوهای دیگری را، که حکومت را منحل ساخته و قانون اساسی اسلامی را لغو کنند، در افق دید خود ندارد.
 2. از تخیل قوی و اطلاعات تاریخی و جامعه شناسانه کافی برخوردار نیست و، چون «نسبت به پیچیدگی های اجرایی و قانونی این نظام [فعلی] اشراف کامل دارد»، تصورات خود را تنها بر مبنای «تجربیات دست اول از "نظام حکومتی موجود کشور" تنظیم می کند؛ انگار که در طی 35 سالی که از امروز می گذرد حکومت اسلامی زندگی خود را در یخچال گذرانده است.
 3. البته ممکن است گفته شود که انتخاب «35 سال» به دلایل و مصالح خاصی مربوط باشد. مثلاً، یک مصلحت می تواند به کوشش نویسنده برای نومید کردن هواداران استقرار سکولار دموکراسی در ایران مربوط شود؛ گوئی نویسنده می خواهد بگوید که «چندان به آینده نزدیک امیدوار نباشید. این ملت توان و خیال برخواستن علیه حکومت اسلامی را ندارند و منصب ولایت فقیه (که متضمن سکولار نشدن حکومت است) نیز تا 35 سال دیگر پا بر جا خواهد بود و تنها دست به دست هم دادن برخی حوادث (انتخاب یک رئیس جمهور تغییر طلب و مرگ ناگهانی ولی فقیه چهارم) می تواند استقرار سکولاریسم در ایران را ممکن کند.
 4. یا شاید انتخاب 35 سال فقط برای خارج کردن کتاب از زیر ضربه بنیادگرایان باشد و تنها یک گزینش مصلحتی است و کتاب را می توان شرحی از حوادث محتمل هم اکنون هم دانست: حسن روحانی می تواند همان رئیس جمهور تغییر طلب باشد که مرگ علی خامنه ای فرصتی را برایش فراهم می سازد تا به مردم اجازه تظاهرات «مسالمت آمیز» دهد و در پی آن «رفراندوم» (نام دیگر «انتخابات آزاد») کند و رژیم اسلامی را به رژیمی سکولار مبدل سازد.

5. در این صورت، می توان فهمید که چرا نویسنده کوشیده است با تکیه بر «تجربیات دست اول از نظام حکومتی موجود کشور» و اشراف کامل خود «نسبت به پیچیدگی های اجرایی و قانونی این نظام» فردائی را (که دیگر در 35 سال پیش نمی آید و به همین امروز مربوط می شود) مجسم کند و مشکلات یک حکومت سکولار را برای خواننده خود تشریح نماید؛ مشکلاتی که نمونه اش در همین توضیح مختصر گردانندگان سایت ایران وایر آمده است:

- یک حکومت سکولار گردانندگان رژیم اسلامی را زندانی می کند اما مجبور است با آنها بر اساس مفاد اعلامیه حقوق بشر رفتار کرده و آنها را حتی در حد زندان انفرادی و نداشتن وکیل «شکنجه نکند!»

- اگر اولین رئیس جمهور حکومت سکولار همان آخرین رئیس جمهور حکومت اسلامی باشد این خاصیت را دارد که می تواند بگوید: «اساساً ما مشکل خاصی در مورد دسترسی به اطلاعات نداریم که، برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر، پای این جور بدنامی ها برویم!»

- حکومت سکولار جدید، با دادن «آزادی های اجتماعی»، باعث می شود که «بعد از رفع محدودیت های سابق، "زیاده روی" هایی اتفاق بیفتد و نیاز به دخالت پلیس باشد». انگار اگر آن زیاده روی های ناشی از «رفع محدودیت های سابق» نبود جامعه نیز به وجود پلیس هم محتاج نبود!

- حکومت سکولار آینده نه تنها مجبور است با مشکل مقاومت «هواداران حکومت اسلامی»، که با مخالفت «اقشار مذهبی» نیز، رویارویی کند. یعنی حکومت سکولار جدید دست به دادن آزادی هائی می زند که منجر به «هنجار شکنی جوانان» می شود و اعتراض «اقشار مذهبی» را بر می انگیزد و پلیس حکومت مجبور می شود - لابد به نفع جوانان هنجار شکن! - مداخله کند.

- در حکومت اسلامی پلیس «درگیر مسئولیت های پر زحمتی همچون کنترل حجاب زن ها» است. اما حکومت سکولار دیگر مثلاً حجاب زنها را کنترل نمی کند» که لابد این خود نوعی «هنجار شکنی» خواهد بود که مورد اعتراض «اقشار مذهبی» قرار می گیرد.

از نگاه اصلاح طلبان

1. کتاب در دست انتشار «ایران سکولار؛ سال 1429» نشان می دهد که اصلاح طلبان از هم اکنون پذیرفته اند که آینده حکومت در ایران (چه در 1395 و چه در 1429) شکلی از سکولار دموکراسی خواهد بود و، در نتیجه، از هم اکنون به فکر تجسم آن فردا و پاسخ دادن به این پرسش افتاده اند که: «اگر نظام حکومتی جمهوری اسلامی در ایران به پایان برسد، چه می شود؟»

2. در این کتاب آرزوی اصلاح طلبان آن است که این «تغییر گریز ناپذیر» را خودشان مدیریت کنند و به این دلیل همزمانی «انتخاب یک رئیس جمهور تغییر طلب» و «مرگ ناگهانی ولی فقیه» و دامن زدن به «تظاهرات مسالمت آمیز مردم» را بهترین فرمول برای از دست نرفتن کنترل اوضاع می دانند.

3. آنها حتی در مورد اینکه با سردمداران فعلی حکومت چه کنند نیز هم اکنون به اندیشیدن پرداخته اند؛ چرا که می دانند تغییر رژیم به معنای محاکمه سران رژیم اسلامی هم هست. آنها می کوشند حدس بزنند که در پی مرگ رهبر و تظاهرات مردم چه کسانی را باید دستگیر کنند و به محاکمه بکشند تا مردم ببینند که آنها واقعاً قصد تغییر رژیم را دارند. عدد 37 نفر نمی تواند چندان اتفاقی باشد.

4. اگرچه معمولاً تغییر رژیم (بخصوص به معنای لغو قانون اساسی و انحلال نهادهای پاسدار آن)

در هر صورتی منجر به تشکیل یک «دولت موقت» برای ادارهء دوران گذار و انجام انتخابات مجلس مؤسسان می شود اما صلاح اصلاح طلبان آن است که از بقدرت رسیدن یک «دولت موقت» اجتناب کرده و همان رئیس جمهور تغییر طلب حکومت اسلامی را بر سر کار نگاه دارند و او دوران گذار را اداره کند. اما آنچه کنجاوی مرا از هم اکنون برانگیخته آن است که بدانیم اصلاح طلبان مشکلات حکومت سکولار در ایران آینده را چگونه می بینند و برای رفع آنها چه راه حلی را مجسم می کنند. من با اشتیاق منتظر خواندن این پاورقی هستم و از خوانندگانم نیز دعوت می کنم که این مطلب را تعقیب کرده و آن را همچون نقبی به ذهنیت کنونی اصلاح طلبان تلقی کنند.

این را هم بگویم که من البته به احتمال وقوع حوادث این کتاب بر مبنای مفروضات و تخیلات نویسنده اعتقادی ندارم و فروپاشی (و نه تغییر) رژیم اسلامی مسلط بر کشورمان را در پی انجام اینگونه سناریوها تصور نمی کنم. با این همه برایم جالب است تصور کردن اینکه یکی از آخوندها (بگیریم روحانی یا خاتمی) متصدی گذار کشور به حکومتی سکولار شود، و اگر موفق شد با چه مسائلی دست به گریبان خواهد بود. حسن هر داستان تخیلی آینده نگر نه در خود داستان که در اندیشیدن به امکانات آینده از دیدگاه های متضاد است.

1. <http://iranwire.com/features/8040/>

2. http://www.puyeshgaraan.com/Shokooh/7.Books/golden_ark.htm

3. Secular.Iran.2050@gmail.com

با ارسال ای - میل خود به این آدرس می توانید مقالات نوری علا را هر هفته مستقیماً دریافت کنید:

NewSecularism@gmail.com

مجموعه آثار نوری علا را در این پیوند بیابید:

<http://www.puyeshgaraan.com/NoorialaWorks.htm>

صفحه نوری علا در فیس بوک:

<https://www.facebook.com/esmail.nooriala.5>